

اثربخشی آموزش تفکر انتقادی بر اساس مدل پاول-الدر در تحریف‌های شناختی و خودکارآمدی نوجوانان

زهرا جعفری پنجی: کارشناس ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

*مهديه رحمانیان: (نویسنده مسئول) استادیار، گروه روانشناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران m.rahmanian@pnu.ac.ir

حسین زارع: استاد، گروه روانشناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۰۹/۱۸

پذیرش اولیه: ۱۳۹۷/۰۸/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۶/۰۵

چکیده

هدف پژوهش حاضر، اثربخشی آموزش تفکر انتقادی بر اساس مدل پاول-الدر در تحریف‌های شناختی و خودکارآمدی نوجوانان شهر تهران بود. روش پژوهش از نوع هدف کاربردی و از نوع مطالعات آزمایشی (پیش‌آزمون پس‌آزمون با گروه کنترل) بود. جامعه آماری شامل کلیه نوجوانان دختر ۱۳ تا ۱۶ ساله منطقه ۲ شهرستان تهران است که با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس ۴۰ نفر از دانش‌آموزان اول متوسطه مدرسه دخترانه بهار به‌عنوان گروه نمونه انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفتند. با گمارش تصادفی، ۲۰ نفر در گروه آزمایش و ۲۰ نفر در گروه کنترل قرار گرفتند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه تحریف‌های شناختی عبدالله زاده و سالار (۱۳۸۹) و پرسشنامه خودکارآمدی کودکان و نوجوانان (SEQ-C) (۲۰۰۱) بود. گروه آزمایش به مدت ۹ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای تحت آموزش تفکر انتقادی پاول-الدر قرار گرفتند. داده‌ها با استفاده از آزمون واریانس مختلط تحلیل شدند. نتایج نشان داد که آموزش تفکر انتقادی بر اساس مدل پاول-الدر تأثیر معنی‌داری ($p < 0.05$) در کاهش تحریف‌های شناختی و افزایش خودکارآمدی نوجوانان شهر تهران دارد. با توجه به اهمیت نقش تفکر انتقادی در خودکارآمدی و تحریف‌های شناختی، برنامه‌های مدارس باید به گونه‌ای سازماندهی شوند که در برنامه ریزی‌های آموزشی و برنامه درسی تجدیدنظر به عمل آید تا راه‌آوردی برای خودآزمندساختن نوجوانان و طرحی برای جلوگیری از تحریف شناختی باشد.

کلیدواژه‌ها: تفکر انتقادی، مدل پاول-الدر، تحریف شناختی، خودکارآمدی، نوجوانان.

Journal of Cognitive Psychology, Vol. 6, No. 2, Autumn 2018

The Effectiveness of Critical Thinking Education Based on the Powell-Elder Model on Improving Cognitive and Self-efficacy Disorders in Teens

JafariPanji, Z. MA in Psychology, Payam Noor University, Tehran, Iran

*Rahmanian, M. Assistant Professor, Payam Noor University, Tehran, Iran m.rahmanian@pnu.ac.ir

Zare, H. Professor, Payam Noor University, Tehran, Iran

Abstract

The purpose of this study was to evaluate the effectiveness of teaching critical thinking based on the Powell-Elder model on improving the cognitive and self-efficacy of teens in Tehran. The research method was an applied and experimental type (post-test pre-test with control group). The statistical population consisted of all adolescents aged 13 to 16 years old in District 2 of Tehran. Data were analyzed by using a sampling method for 40 primary school students in spring school as a sample group. A randomized trial was performed on 20 subjects in the experimental group and 20 in the control group. The data gathering tool was a Cognitive Distortion Questionnaire (Abdollahzadeh and Salar, 2010), Self-Efficacy Questionnaire for Children and Adolescents (SEQ-C) (2001). The experimental group was placed under the teaching of Powell-Elder Critical Thinking for 9 consecutive 90-minute sessions. Data were analyzed by mixed variance statistical tests using SPSS software. The results showed that there was a significant ($p > 0.05$) critical thinking education on reduction of cognitive distortions and increasing self-efficacy in adolescents in Tehran. Considering the importance of the role of critical thinking on self-efficacy and cognitive distortions, school curricula should be organized in such a way as to rethink curriculum planning and curriculum in order to find ways to develop adolescents themselves and plan to prevent cognitive impairment.

Keywords: Critical Thinking, Powell-Elder Model, Cognitive Distortion, Self-efficacy, Teens.

مقدمه

انسان در گستره زندگی مسیر پرفراز و نشیبی را طی می‌کند که سرشار از چالش‌ها و فرصت‌ها است. افراد در برخورد با چالش‌ها از توانمندی‌هایشان برای مقاومت در برابر آن‌ها بهره می‌برند. بخش قابل توجهی از چالش‌های زندگی مربوط به دوران نوجوانی است؛ زیرا بسیاری از تغییرات بیولوژیکی و روانی اجتماعی در دوران نسبتاً کوتاه نوجوانی رخ می‌دهد. به همین سبب دوران نوجوانی به‌عنوان دوران دشوار و مشکل‌ساز زندگی یاد شده است (رابینسون و میلر^۱، ۲۰۱۲). از آنجا که نوجوانی دوره گذر و انتقال است، نوجوانان به ناچار با مشکلات زیستی، تحصیلی، اجتماعی بسیاری مواجه خواهند شد که می‌بایست راهی برای حل آن‌ها پیدا کنند. پژوهش‌ها افزایشی در انجام رفتارهای تهدید کننده سلامت در این دوره را در میان نوجوانان مشاهده کردند (میرغفوروند و همکاران، ۱۳۹۲).

یکی از این عوامل تحریف‌های شناختی می‌باشد که در میان نوجوانان دیده می‌شود. به دنبال این تحریفات شناختی عملکرد ناکارآمد و رفتار ناسازگار شکل می‌گیرد (پیرا و همکاران، ۲۰۱۲). طرح‌ها و اعتقادات مهم یک فرد موضوع تحریفات شناختی هستند. اغلب طرح‌ها از کودکی شروع می‌شوند و فرآیندهای فکر که گاه از این طرح‌ها پشتیبانی می‌کنند، اشتباهات دوران کودکی را منعکس نمایند. تحریفات شناختی زمانی ظاهر می‌شود که پردازش اطلاعات غلط یا غیر مؤثر است. به عبارت دیگر، گاهی تجزیه و تحلیل اطلاعات در ذهن افراد تحریف می‌شود. این نوع تحریف‌ها که خطاها و تحریف‌های شناختی نامیده می‌شوند، به اشکال گوناگونی ظاهر می‌گردند. این تحریفات اگر متناوباً و با دفعات رخ دهند، می‌توانند منجر به ناراحتی‌ها و اختلالات روان‌شناختی و رفتارهای ناهنجار شوند (مشمول حاجی آقا و ابوالقاسمی، ۱۳۹۵). تحریف‌های شناختی در ایجاد اختلالات عاطفی اثرگذار هستند و نقش محوری در عملکرد روانی افراد افسرده و مضطرب بازی می‌کنند (پیرا^۲ و همکاران، ۲۰۱۲). تحریف شناختی باعث مختل شدن رفتار خودتنظیمی می‌شود و پیامد روان‌شناختی مختلفی مانند استرس و اضطراب به وجود می‌آورد. از دیگر مؤلفه‌هایی که می‌تواند نقش مهمی در کسب

موفقیت و سازش‌یافتگی در مواجهه با مسائل این دوران ایفا کند، باورهای خودکارآمدی و خودکارآمدی فرد هستند. همچنین بندورا خودکارآمدی را به عنوان یک میانجی مهم در راه‌اندازی، کسب و نگهداری ابزار یک توانایی توصیف کرده است (آبوت^۳، ۲۰۱۰). خودکارآمدی به عنوان یکی از مفاهیم محوری در نظریه شناختی اجتماعی کانون توجه بسیاری از متخصصان تعلیم و تربیت را به خود جلب کرده و به معنی باور فرد در مورد توانایی مواجهه با موقعیت‌های خاص است که نحوه نگرش، رفتارها و هیجانات افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد و مشخص‌کننده شروع کار و میزان پایداری افراد برای انجام آن کار است (میرغفوروند و همکاران، ۱۳۹۳).

یکی از رویکردهای جدید ایجاد خودکارآمدی و جلوگیری از تحریف‌های شناختی، آموزش تفکر انتقادی است. در آموزش تفکر انتقادی به تغییر دادن افکار پرداخته می‌شود. درواقع فرد افکار را همان‌طور که هست پذیرفته و تجربه می‌کند و با مراقبه مبتنی بر ذهن آگاهی با افکار و احساساتش رابطه‌ای متفاوت برقرار می‌کند (امیرخانی، ۱۳۹۵). ریچارد پاول (۱۹۹۳) تفکر انتقادی را هنر اندیشیدن درباره تفکران وقتی که شما می‌اندیشید تا تفکر خود را بهتر کنید یعنی آن را روشن‌تر، درست‌تر و قابل توجیه‌تر می‌داند. زکی^۴ (۲۰۱۵) معتقد است که تفکر انتقادی را هنر تجزیه و تحلیل و ارزیابی تفکر همراه با بررسی برای اصلاح آن تعریف می‌کند. ریچارد پاول (۱۹۹۳) تفکر انتقادی را هنر اندیشیدن درباره تفکران وقتی که شما می‌اندیشید تا تفکر خود را بهتر کنید یعنی آن را روشن‌تر، درست‌تر و قابل توجیه‌تر می‌داند. در آموزش تفکر انتقادی به تغییر دادن افکار پرداخته می‌شود. در واقع افکار همان‌طور که هست پذیرفته و تجربه می‌شود و فرد با مراقبه مبتنی بر ذهن آگاهی با افکار و احساساتش رابطه‌ای متفاوت برقرار می‌کند. کووید^۵ (۲۰۱۶) تفکر انتقادی باعث می‌شود که شخص افکار خود و دیگران را بررسی کرده و مورد تجزیه و تحلیل قرار داده تا به وسیله ارزیابی و تفسیر آن را بهتر بفهمد. پاول و الدر (۲۰۰۷) این واژه را چنین تعریف میکنند: تفکر انتقادی، هنر تحلیل و ارزیابی تفکر با نگرشی برای بهبود آن است. کاگان (۲۰۰۳) و هالپرن (۲۰۰۹) بر این باورند، تفکر آموزش انتقادی به افراد، موجبات خودجهت دهی، خودتنظیمی، خودکنترلی و خوداصلاحگری فکری آنها

³. Abbott

⁴. Zeki,

⁵. Kovic

¹. Robinson & Miller

². Pereira

سیستماتیک تر افزایش می‌دهد. البته تا حدی هم از این فرضیه حمایت می‌شود که پردازش‌های سودار با افزایش سن پایدارتر می‌شوند و از طرفی تحریف‌های شناختی در این سنین منجر به افسردگی، استرس و اضطراب می‌شوند (پیرا و همکاران، ۲۰۱۲)، لذا انجام این پژوهش ضروری می‌باشد. با توجه به تأثیر آموزش تفکر انتقادی بر تحریف‌های شناختی و کمبود پژوهش‌های کاربردی داخلی مبنی بر فواید این نوع آموزش، پژوهش حاضر، آموزش تفکر انتقادی بر تحریف‌های شناختی و خود اثرمندی نوجوانان شهر تهران را مورد بررسی قرار داده است تا از این ره‌آورد، طرحی کاربردی مبنی بر اثربخشی این آموزش استخراج نموده و به پژوهشگران این حوزه ارائه نماید تا بتوانند از آن در جهت تقویت خودکارآمدی و مفید بودن نوجوانان، استفاده نموده نمایند.

روش

طرح پژوهش

روش پژوهش از نوع نیمه آزمایشی به صورت پیش‌آزمون-پس‌آزمون و پیگیری با گروه کنترل (گواه) است.

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه نوجوانان دختر ۱۳ تا ۱۶ ساله مشغول به تحصیل در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ متوسطه اول منطقه ۲ شهرستان تهران می‌باشد که با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس مدرسه دخترانه متوسطه بهار واقع در منطقه ۲ شهر تهران انتخاب شد و از بین کلاس‌های مدرسه بهار دو کلاس به طور تصادفی انتخاب شدند. حجم نمونه ۴۰ نفر می‌باشد که به صورت تصادفی ۲۰ نفر در گروه آزمایش و ۲۰ نفر در گروه کنترل گمارده شدند. ملاک‌های ورود به مطالعه عبارت بودند از: افراد نوجوان ۱۳ تا ۱۶ ساله، افرادی که قبلاً تحت آموزش تفکر انتقادی قرار نگرفتند، عدم ابتلا به اختلال روانی و داشتن سلامت روان. و ملاک‌های خروج شامل عدم شرکت در بیش از دو جلسه آموزشی و ابتلا به بیماری جسمانی یا روانشناختی حاد در حین آموزش بود.

ابزارهای پژوهش

پرسشنامه خودکارآمدی موریس: پرسشنامه استاندارد سنجش خودکارآمدی توسط موریس^۶ (۲۰۰۲) تهیه شده است و برای ارزیابی خودکارآمدی در کودکان ۱۸-۷ سال مورد استفاده

را تا رسیدن به یک ارزیابی درست و در نهایت تصمیم منطقی فراهم می‌سازد. درمجموع تفکر انتقادی موجب افزایش آگاهی، صراحت، وضوح و پذیرش واقعیت در زمان حال می‌گردد. فرد با حضور در زمان حال درمی‌یابد که ذهن مورد بررسی قرار گرفته و به صورت آگاهانه عمل می‌کند (تمنایی فر، ۱۳۹۵). پژوهش‌هایی در این زمینه انجام شده که اثربخشی تفکر انتقادی بر خودکارآمدی و تحریف شناختی را تأیید می‌کند که می‌توان به پژوهش زنگنه وندی و همکاران (۲۰۱۴) نشان دادند که بین خودکارآمدی معلمان و تفکر انتقادی رابطه مثبت وجود دارد؛ ورنده و مهرعلی (۲۰۱۳) در پژوهشی نشان دادند که بین خودکارآمدی و تفکر انتقادی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد؛ کانسوی و ترکوگلو^۱ (۲۰۱۷) در پژوهشی نشان دادند که بین تفکر انتقادی و باورهای خودکارآمدی همبستگی بالایی وجود دارد. کزار^۲ و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی نشان دادند که بین خودکارآمدی و تفکر انتقادی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. فرانکوئسکی^۳ و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان ارزیابی اختلالات تحریف‌های شناختی در تصمیم‌گیری نشان دادند که تحریف‌های شناختی عامل مهمی در تصمیم‌گیری هستند و منجر به تصمیم‌گیری‌های غلط می‌شوند. پاترسی و بایلین^۴ (۲۰۱۳) در پژوهشی تحت عنوان تفکر انتقادی و خطاهای شناختی نشان دادند که یکی از اجزای مهم تفکر انتقادی کاهش خطاهای شناختی می‌باشد. ماینز^۵ (۲۰۱۵) در پژوهشی تحت عنوان تفکر انتقادی و خطاهای شناختی نشان دادند که تفکر انتقادی مهارتی است که سطح خطاهای شناختی را کاهش می‌دهد.

باتوجه به اینکه نوجوانان یکی از مهمترین رده‌های سنی هر جامعه محسوب می‌شوند و این گروه با مشکلات زیستی، تحصیلی، اجتماعی بسیاری مواجهه می‌شوند که می‌بایست راهی برای حل آن‌ها پیدا کنند. نوجوانان به دلیل مهارت‌های شناختی، بیشتر قادرند در مورد حوادث، علت پدید آیی این حوادث، پیامدهای ناشی از آن و همچنین رابطه بین رویدادهای مختلف تأمل کنند؛ بنابراین می‌توان فرض کرد که شرح و تفکر بیشتر در مورد علل رویدادها و موقعیت‌ها، احتمال خطاهای شناختی را نیز در یک روش

1. Cansoy & Turkoglu

2. Kezer

3. Frankovsky

4. Battersby & Bailin

5. Maynes

6. Muris

قرار می‌گیرد. فرم ایرانی این پرسشنامه پس از ترجمه توسط طهماسیان و همکاران دارای ۲۳ ماده و ۳ زیرمقیاس اجتماعی، هیجانی و تحصیلی شد. هر ماده در مقیاس ۵ نمره‌ای لیکرت از ۱-۵ (اصلاً=۱ و زیاد=۵) نمره‌گذاری می‌شود که ۸ سؤال اول خودکارآمدی اجتماعی، ۸ سؤال دوم خودکارآمدی هیجانی و ۷ سؤال سوم خودکارآمدی تحصیلی را می‌سنجد. نمره‌ای که فرد می‌گیرد از ۲۳ (پایین‌ترین) تا ۱۱۵ (بالاترین) سطح خودکارآمدی متفاوت می‌باشد که به سطح ضعیف (۵۴-۲۳)، متوسط (۸۶-۵۵) و خوب (۱۱۵-۸۶) قرار می‌گیرد. فرم ایرانی این پرسشنامه پس از ترجمه توسط طهماسیان و همکاران دارای ۲۳ ماده و ۳ زیرمقیاس اجتماعی، هیجانی و تحصیلی شد. هر ماده در مقیاس ۵ نمره‌ای لیکرت از ۱-۵ (اصلاً=۱ و زیاد=۵) نمره‌گذاری می‌شود که ۸ سؤال اول خودکارآمدی اجتماعی، ۸ سؤال دوم خودکارآمدی هیجانی و ۷ سؤال سوم خودکارآمدی تحصیلی را می‌سنجد. نمره‌ای که فرد می‌گیرد از ۲۳ (پایین‌ترین) تا ۱۱۵ (بالاترین) سطح خودکارآمدی متفاوت می‌باشد که به سطح ضعیف (۵۴-۲۳)، متوسط (۸۶-۵۵) و خوب (۱۱۵-۸۶) قرار می‌گیرد.

جدول ۱- پروتکل برنامه درمانی تفکر انتقادی

جلسات	جزء	اهداف هر جلسه
جلسه اول	عناصر تفکر (استدلال) (هدف، فرضیه، تلاش)	هدف: این بخش تفکر شامل تعریف هدف یا اهداف موضوع است. برای مثال هدف ممکن است حل یک مشکل یا رسیدن به چیزی باشد. تلاش: این قسمت شامل تلاش‌هایی برای حل یک مشکل می‌باشد. فرضیه: قبل از حل موضوع به علت نداشتن اطلاعات زیاد در مورد موضوع اقدام به اینجا فرضیه می‌کنیم. ما معمولاً با فرض‌های قیاسی شروع می‌کنیم و سپس با اطلاعات تحقیقاتی به اعتبار سنجی این فرض‌ها می‌رسیم. به عنوان مثال ما فرض می‌کنیم سیب‌ها قرمز هستند و شروع به تحقیق درختان برای شناسایی سیب‌ها می‌کنیم.
جلسه دوم	عناصر تفکر (نقطه نظر، داده‌ها، مفاهیم)	نقطه نظر: این بخش شامل دیدگاه‌های ما مانند دیدگاه‌هایی که ما در تفکر در مورد موضوعی به دست می‌آوریم. برای مثال ما می‌توانیم در مورد محصول از دیدگاه مصرف‌کننده به جای تولیدکننده نگاه کنیم. داده، اطلاعات و شواهد: در اینجا ما اطلاعات و داده‌های مرتبط با موضوع را پوشش می‌دهیم. و همچنین شواهدی که از موضوعمان پشتیبانی می‌کنند ارائه می‌دهیم.
جلسه سوم	عناصر تفکر (نتیجه‌گیری، پیامدها)	مفاهیم و ایده‌ها: در اینجا تمام اصول، مدل‌ها و نظریه‌های مرتبط با موضوع ارائه می‌دهیم. برای مثال این بخش ممکن است شامل نظریه‌های مرتبط با کاربرد یک راه حل خاص باشد. نتیجه‌گیری و تفسیرها: بخش آخر شامل راه‌حل‌های استنتاج شده بر اساس بخش‌های قبلی است. نتیجه‌گیری ممکن است شامل راه حل پیشنهادی یک مشکل خاص باشد.
جلسه چهارم	استانداردهای فکری (وضوح و صحت)	پیامدها و کاربردها: تمام استدلال‌ها باید منجر به پیامدهای ناشی از اجرای فرایند استدلال باشد. وضوح: شامل می‌توانید بفهمید؟ می‌توانید آنچه را که می‌خواهید بیان کنید؟ آیا شما می‌توانید برای من مثالی بزنید؟ صحت: شامل چگونه می‌توانیم آن را بررسی کنیم؟ چگونه می‌توانیم پی ببریم که این درست است؟ چگونه می‌توانیم آن را تأیید یا تست کنیم؟
جلسه پنجم	استانداردهای فکری (ارتباط و دقت)	دقت: شامل آیا می‌توانید خاص‌تر باشید؟ آیا می‌توانید جزئیات بیشتری به من بدهید؟ آیا می‌توانید دقیق‌تر باشید؟ ارتباط: شامل چگونه با مشکل مرتبط است؟ چگونه به سؤال مربوط می‌شود؟ چگونه به ما با این موضوع کمک می‌کند؟ عمق: شامل چه عواملی این مشکل را ایجاد می‌کنند؟ پیچیدگی‌های این سؤال چیست؟ مشکلات مقابله با آن‌ها چه هستند؟
جلسه ششم	استانداردهای فکری (عمق و پهنای)	پهنای: شامل آیا ما باید از دیدگاه دیگر نگاه کنیم؟ آیا ما باید نقطه نظر دیگری را در نظر بگیریم؟ آیا ما باید با شیوه‌های دیگری به این مورد نگاه کنیم؟
جلسه هفتم	صفات فکری (تواضع و شجاعت)	تواضع فکری: این ویژگی توانایی فرد به درک محدودیت شناخته شده و موقعیتی که ممکن است متعصب و منفعلانه باشد را توسعه می‌دهد. شجاعت فکری: شجاعت نشان‌دهنده ایجاد آگاهی برای بیان ایده‌های منصفانه بدون در نظر گرفتن دیدگاه‌های خود یا احساس‌های منفی‌مان درباره موضوع است. همچنین به ما کمک می‌کند تا توانایی‌هایمان برای ارزیابی ایده‌ها بدون در نظر گرفتن پیش‌فرض‌ها و ادراکمان درباره موضوع توسعه دهیم.
جلسه هشتم	صفات فکری (همدلی و یکپارچگی)	همدلی ذهنی: همدلی مربوط به توانایی قرار گذاشتن خودمان در نقش‌های دیگران برای درک آن‌ها است. همچنین آن توسعه می‌دهد که چگونه ما می‌توانیم بخش‌هایی از استدلال دیگران مانند دیدگاه‌ها، فرضیات و ایده‌ها را ببینیم. یکپارچگی فکری: این بخش مربوط به توانایی ادغام با استدلال فکری دیگران است و از سردرگمی‌هایی که از استدلال خودمان حاصل می‌شود جلوگیری می‌شود. برخلاف همدلی، یکپارچگی بر توانایی استدلال‌های دیگران در موضوع و ادغام با آن تمرکز دارد.
جلسه نهم	صفات فکری (استقامت، اعتماد، بی‌طرفی)	استقامت فکری: استقامت نیاز به داشتن حقیقت درباره بینش بدون در نظر گرفتن موانعی که با آن مواجه است را توسعه می‌دهد. این کمک می‌کند تا استدلال‌های منطقی علیرغم آنچه علیه آن ایستاده‌اند را بسازند. اعتماد به استدلال: با استفاده از بخش‌های استدلال و تشویق مردم به رسیدن به استدلال‌هایشان، آن‌ها شروع به ساخت اعتماد به دلایلشان می‌کنند و به شیوه‌ای منطقی فکر می‌کنند. بی‌طرفی فکری: این ویژگی توانایی شروع یک نگاه منصفانه به تمام استدلال‌ها و این صفت همه دیدگاه‌ها را به طور یکسان کنار می‌گذارد.

منبع: (الدر و پاول، ۲۰۱۰)

آزمایش و اجرای پس آزمون‌ها به منظور آزمودن فرضیه‌ها داده‌های آماری با آزمون تحلیل واریانس مختلط چند متغیری توسط نرم‌افزار SPSS نسخه ۱۹ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. لازم به ذکر است که روایی پروتکل درمانی تفکر انتقادی بر اساس مدل پاول-الدر توسط پاول-الدر (۲۰۱۱) تایید شد.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی شامل شاخص‌های آماری، مانند میانگین و انحراف معیار برای متغیرهای خودکارآمدی و تحریف شناختی افراد قبل و بعد از آموزش تفکر انتقادی در سه مرحله اجرا (پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری) در جدول ۲ ارائه شده است.

به منظور بررسی داده‌های پژوهش ابتدا آزمون کولموگروف-اسمیرنف برای بررسی نرمال بودن توزیع داده‌های متغیرهای خودکارآمدی و تحریف شناختی اجرا شد. نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنف نشان می‌دهد که داده‌های آماری در هر دو گروه (آزمایش و گواه) از توزیع آماری نرمال برخوردار است ($p > 0/05$). به این ترتیب که برای متغیر خودکارآمدی در گروه گواه $p = 0/660$ و در گروه آزمایش $p = 0/803$ و برای متغیر تحریف شناختی در گروه گواه $p = 0/630$ و در گروه آزمایش $p = 0/655$ پس می‌توان از آزمون‌های پارامتری جهت تحلیل داده‌ها استفاده کرد و فرض صفر مبنی بر نرمال بودن توزیع آماری دو گروه آزمایش و گواه رد نمی‌شود. نتایج آزمون لوین نشان می‌دهد که بین واریانس‌های دو گروه گواه و آزمایش در پیش‌آزمون و پس‌آزمون متغیرهای خودکارآمدی و تحریف شناختی تفاوت معنی‌دار وجود ندارد ($p > 0/05$). بنابراین فرض صفر برای تساوی واریانس‌های نمرات دو گروه رد نمی‌شود. به این ترتیب که برای متغیر خودکارآمدی (در پیش‌آزمون $p = 0/488$ ، پس‌آزمون $p = 0/203$ و پیگیری $p = 0/452$) و برای متغیر تحریف شناختی (در پیش‌آزمون $p = 0/879$ ، پس‌آزمون $p = 0/354$ و پیگیری $p = 0/325$)

عبدالله زاده و سالار (۱۳۸۹) با هدف دستیابی به ابزاری آسان برای آگاهی از تحریف‌های شناختی استفاده شده در زندگی روزمره ساخته شده است. این پرسشنامه بر مبنای تحریف‌های شناختی الیس طراحی شده و به سنجش ۹۱ تحریف شناختی شناسایی شده توسط البرت الیس می‌پردازد این پرسشنامه شامل ۱۰ سؤال ۵ گزینه‌ای است که براساس مقیاس لیکرت نمره‌گذاری می‌شود. به هریک از سؤال‌ها بسته به پاسخ داده شده از ۵ تا ۵ نمره تعلق می‌گیرد، که در آن گزینه (کاملاً موافقم = ۵) تا (کاملاً مخالفم = ۵) و تنها سؤال شماره یک به صورت معکوس از ۵ تا ۹ نمره‌گذاری می‌شود. براساس نمره‌گذاری هر فردی که نمره بیشتری را کسب کند از تفکر مناسب‌تری برخوردار است، و هر کس نمره کمتری را به خود اختصاص دهد از تحریف‌های شناختی بیشتری استفاده کرده است (عبدالله زاده و سالار، ۱۳۸۹). این آزمون توسط عبدالله زاده و سالار در سال (۱۳۸۹) بر روی جمعیت ایرانی، ۹۵۹ زن و ۹۴۶ مرد هنجاریابی شد.

فرایند اجرای پژوهش

در ابتدا قبل از اجرای آزمون، اطمینان بخشی به آزمودنی‌ها در خصوص محرمانه بودن اطلاعات به دست آمده و دادن آزادی و رضایت کامل برای شرکت در پژوهش از نکات رعایت شده اخلاق پژوهشی بود. همچنین برای جلب اعتماد بیشتر از نوشتن اطلاعات شخصی مانند نام و نام خانوادگی خودداری گردید. در مرحله بعد تمامی گروه‌ها به وسیله اجرای پیش‌آزمون یکسان تحریف شناختی، خودکارآمدی موریس، تفکر انتقادی مورد آزمون قرار گرفتند. سپس گروه آزمایش به مدت ۹ جلسه و هر جلسه به مدت ۹۰ دقیقه تحت آموزش تفکر انتقادی بر اساس مدل پاول-الدر قرار گرفتند و به گروه کنترل آموزشی داده نشد؛ پس از آن پس‌آزمون تحریف شناختی، خودکارآمدی موریس، تفکر انتقادی بین هر دو گروه کنترل و آزمایش اجرا شد. سپس برای بررسی تداوم اثربخشی این برنامه آموزشی آزمون پیگیری پس از ۲۱ روز برای هر دو گروه کنترل و آزمایش اجرا شد. پس از انجام

جدول ۲- میانگین و انحراف معیار متغیرهای خودکارآمدی و تحریف شناختی قبل و بعد از آموزش تفکر انتقادی

مقیاس	شاخص‌های آماری	پیش‌آزمون		پس‌آزمون		پیگیری	
		گواه	آزمایش	گواه	آزمایش	گواه	آزمایش
خودکارآمدی	میانگین	۶۹/۲۵	۷۱/۸۰	۶۹/۴۵	۸۵/۳۵	۶۹/۶۰	۸۵/۵۰
	انحراف معیار	۱۱/۵۷	۱۲/۹۸	۳۹/۱۴	۶۱/۵۹	۱۲/۱۸	۱۰/۳۵
تحریف	میانگین	۶۰/۴۵	۶۰/۴۵	۶۰/۳۰	۷۰/۵۰	۶۰/۰۵	۷۰/۵۵
شناختی	انحراف معیار	۱۶/۸۱	۱۷/۵۰	۱۶/۲۳	۱۳/۷۸	۱۶/۳۴	۱۳/۷۰

جدول ۳- نتایج تحلیل آزمون های مختلف چندمتغیری

نوع آزمون	ارزش	فرضیه df	خطا df	F	معناداری
اثر پیلاپی	۰/۷۰۶	۴	۱۵۲	۲۰/۷۲	۰/۰۰۱
لامبدای ویلکز	۰/۲۹۹	۴	۱۵۰	۳۱/۰۹	۰/۰۰۱
اثر هتلینگ	۲/۳۳۰	۴	۱۴۸	۴۳/۱۰	۰/۰۰۱
اثر پیلاپی	۰/۷۱۱	۴	۱۵۲	۲۰/۹۴	۰/۰۰۱
لامبدای ویلکز	۰/۲۹۰	۴	۱۵۰	۳۲/۱۸	۰/۰۰۱
اثر هتلینگ	۲/۴۵۳	۴	۱۴۸	۴۵/۳۷	۰/۰۰۱

جدول ۴- نتایج تفاوت های بین گروهی برای متغیرهای خودکارآمدی و تحریف شناختی

متغیر	شاخص	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معنی داری P
زمان	تحریف شناختی	۴۰۵/۸۰۰	۲	۴۰۵/۸۰۰	۶۰/۱۷۳	۰/۰۰۱
	خودکارآمدی	۱۲۲۵/۰۱۷	۲	۶۱۲/۵۰۸	۴۵/۶۱۶	۰/۰۰۱
گروه#زمان	تحریف شناختی	۴۶۵/۲۶۷	۲	۲۳۲/۶۳۳	۶۸/۹۹۱	۰/۰۰۱
	خودکارآمدی	۱۱۲۵/۱۵۰	۲	۵۶۲/۵۷۵	۴۱/۸۹۷	۰/۰۰۱
خطا	تحریف شناختی	۲۵۶/۲۶۷	۷۶	۳/۳۷۲		
	خودکارآمدی	۱۰۲۰/۵۰۰	۷۶	۱۳۲/۴۲۸		

است.

برای بررسی تاثیر آموزش تفکر انتقادی بر متغیرهای خودکارآمدی و تحریف شناختی نوجوانان از آزمون واریانس مختلط چند متغیری استفاده شد.

نتایج جدول ۳ نشان می دهند که حداقل در یکی از متغیرهای وابسته هم در بعد زمان و هم در بعد تعامل زمان و گروه تفاوت معناداری وجود دارد. بدین معنی که از مرحله پیش آزمون تا پیگیری و هم در پس آزمون تا پیگیری در دو گروه آزمایش و کنترل تفاوت معناداری وجود دارد.

نتایج جدول ۴ نشان می دهد که اثر عامل زمان بر متغیرهای تحریف شناختی ($F=60/173$ و $p<0/05$) و خودکارآمدی ($F=45/616$ و $p<0/05$) معنادار بوده است. به عبارت دیگر متغیر تحریف شناختی از پیش آزمون تا پیگیری کاهش معناداری داشته است، در حالی که میزان خودکارآمدی افزایش داشته است. اثر تعامل زمان با گروه در تحریف شناختی ($F=68/991$ و $p<0/05$) و خودکارآمدی ($F=41/897$ و $p<0/05$) معنی دار است. به عبارت دیگر در مرحله پس آزمون و پیگیری نیز بین گروه آزمایش و کنترل در متغیرهای تحریف شناختی و خودکارآمدی تفاوت معناداری بوده است که این نشان دهنده پایداری درمان در طول زمان می باشد.

بحث و نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر، اثربخشی آموزش تفکر انتقادی

براساس مدل پاول-الدر در تحریف شناختی و خودکارآمدی نوجوانان شهر تهران بود. نتایج این پژوهش نشان می دهد که آموزش تفکر انتقادی بر تحریف های شناختی نوجوانان تأثیر معنی داری داشته است. یافته های پژوهش حاضر با یافته های پژوهش ماینز^۱ (۲۰۱۵)، باترسبی و بیلین^۲ (۲۰۱۳)، کووید^۳ (۲۰۱۶)، فرانکویسکی^۴ و همکاران (۲۰۱۶) همسو است. باترسبی و بیلین^۵ (۲۰۱۳) در تحقیق خود نشان دادند که یکی از اجزای مهم تفکر انتقادی کاهش خطاهای شناختی می باشد. ماینز^۶ (۲۰۱۵) در پژوهشی تحت عنوان تفکر انتقادی و خطاهای شناختی نشان دادند که تفکر انتقادی مهارتی است که سطح خطاهای شناختی را کاهش می دهد. در تبیین این یافته ها می توان بیان کرد که تفکر نقادانه به مجموعه ای از نگرش ها و مهارت های فکری اطلاق می شود که برای ارزیابی و محک زدن ادعاها و استدلال ها به کار می آیند. در تفکر نقادانه سعی بر این است که هر ادعا یا استدلالی پیش از پذیرفته شدن با استفاده از معیارهای معینی محک زده شود تا بتوان درباره عقلانی بودن یا نبودنش داوری کرد. بطوری که چنانچه فرد دارای افکار تحریف شده باشد و درک درست و منطقی از مسائل نداشته باشد به وسیله این مهارت می تواند افکار خود را محک زده و

1. Maynes

2. Battersby & Bailin

3. Kovic

4. Frankovsky

5. Battersby & Bailin

6. Maynes

سندج نشان دادند که بین تفکر انتقادی و عملکرد تحصیلی دانشجویان معلمان رابطه معنادار وجود ندارد، متغیرهای خلاقیت و خودکارآمدی تفکر انتقادی را در جهت مثبت پیش‌بینی می‌کنند و بین دانشجویان دختر و پسر در تفکر انتقادی و خلاقیت تفاوت معنادار وجود دارد ولی به لحاظ باورهای خودکارآمدی بین دانشجویان دختر و پسر تفاوت معنادار وجود ندارد. می‌توان گفت که تفکر انتقادی به عنوان بالاترین سطح تفکر فرد است که سبب ایجاد نگرش جدید و مثبت در فرد نسبت به خود، دیگران و جهان پیرامون او می‌شود و از آن جا که خودکارآمدی نیز اشاره به اعتقاد فرد به توانایی‌ها و مهارت‌های خود دارد، می‌توان بیان نمود که پرورش تفکر انتقادی منجر به افزایش خودکارآمدی در فرد شود. در این راستا انیس، پل، مک‌پک و لیپمن (۱۹۹۱) معتقدند که حداقل دو عنصر در تفکر انتقادی اساسی است؛ اولین عنصر روحیه انتقادی است که شامل آمادگی‌ها، نگرش‌ها، خصوصیات ذهنی و صفات شخصی است و عنصر دیگر مهارت‌های لازم برای درک درست و ارزیابی است؛ این مهارت شامل تحلیلگری، استدلال، تبیین و توجیه، ارزیابی، خودتنظیمی و تفسیر است؛ به بیانی دیگر، تفکر انتقادی شامل دو بعد مهارت و گرایش است. در بعد مهارتی، فرایندهای شناختی و در بعد گرایش، نگرش و انگیزه درونی فرد در برخورد با مسائل و تفکر درباره آن مطرح می‌شود. (پروفتو، ۲۰۰۳) فاشیون (۲۰۰۱) گرایش به تفکر انتقادی را در بردارنده هفت حیطه جستجوی حقیقت، گشوده ذهنی، بینش تحلیلی، سازمان یافتگی، اعتماد به نفس، بلوغ شناختی و کنجکاوی می‌داند و ریکتس (۲۰۰۳) مؤلفه‌های گرایش به تفکر انتقادی را شامل خلاقیت، درگیری ذهنی، بلوغ شناختی می‌داند. برخی صاحب‌نظران حاصل این مهارت و گرایش را خودکارآمدی فرد می‌دانند؛ زیرا سبب خوداندیشی و خود ارزیابی می‌شود. به عقیده انیس تفکر انتقادی تفکر تیزبینانه درباره اینکه چه چیزی را باور کنیم و چه اعمالی انجام دهیم، است. گانتز (۲۰۰۷) میلر (۲۰۰۳) و فاسیون (۲۰۰۷) بر این باورند، وقتی افراد تحت آموزش مؤلفه‌های تفکر انتقادی قرار می‌گیرند، این امکان برای آن‌ها فراهم می‌شود در شرایط سخت و دشوار زندگی، تصورات و راه‌های قلابی، خودمحور، مبتنی بر تجربیات شخصی، محدود و واقعیت‌های محسوس را کنار گذاشته و با طرح سؤالات منطقی و بازبینی مداوم راه حل‌های ممکن به تصمیم‌های هوشمندانه و منطقی دست یابند. در واقع اینگونه افراد با برخورداری از توانایی تفکر انتقادی قادر می‌شوند، مسائل ریز و درشت

پیش‌داوری کند و سپس درباره عقلانی بودن آن داوری کند و چنانچه آن فکر منطقی نباشد به اصلاح آن بپردازد. در این راستا پاول و الدر (۲۰۰۶) معتقد است که تفکر انتقادی هنر فکر کردن درباره تفکر به منظور بهتر ساختن تفکر که شامل سه مرحله درهم تنیده تحلیل فکر، ارزیابی تفکر و بهبود تفکر هست. مدل او برای تفکر انتقادی شامل عناصر تفکر (هدف، سؤال، اطلاعات، تفسیر و استنباط، دیدگاه، پیامدها، مفروضات، مفاهیم)، استدلال کردن درباره حوزه مطالعه، موضوع، مدارک و مسائل بر اساس استانداردها (روشنی، دقت، درستی، مربوط بودن، وسعت و عمق (فضایل و گرایشهای فکری) انصاف و بی‌طرفی، همدلی، فروتنی، صداقت، پشتکار، شجاعت مطرح شده است. به عقیده اسمیت^۱ تفکر انتقادی توانایی تمییز میان تعصب و سوگیری در استدلال و تمایل به بیان حقیقت است و آن را تجزیه و تحلیل ماهرانه و جسورانه مینامد؛ بنابراین تفکر انتقادی، تفکری عقلانی است که در آن فرد مباحث را به دقت تجزیه و تحلیل میکند، شواهد و مدارک معتبر را جستجو و براساس آن به نتیجه نهایی، درست و معقول می‌رسد (فیشر، ۲۰۰۲) فان^۲ (۲۰۱۰) بیان می‌کند که تفکر انتقادی شامل خودجهت‌دهی، خودنظم‌دهی، خودکنترلی و خودتصحیحی تفکر می‌باشد از این رو با استفاده و به کارگیری چنین تفکری می‌توان فکر را با استانداردهای عقلانی عالی همراه نمود.

در این تحقیق تاثیر تفکر انتقادی بر خودکارآمدی تایید شد که با نتایج حاصل از کانسوی و ترکوگلو^۳ (۲۰۱۷)، کزار^۴ و همکاران (۲۰۱۶)، اسریساوادی^۵ و همکاران (۲۰۱۶)، گودمانس^۶ و همکاران (۲۰۱۳)، مانالو و همکاران (۲۰۱۳)، زنگنه وندی و همکاران (۲۰۱۴)، ورنیدی و مهرعلی (۲۰۱۳)، ترخان (۱۳۹۲)، معافیان و غنی زاده (۱۳۹۰) همسو است. نعیمی و همکاران (۱۳۹۵) در بررسی رابطه بین خودکارآمدی تحصیلی با ادراک از خود و تفکر انتقادی در دانش‌آموزان نشان دادند که بین خودکارآمدی با ادراک خویشتن، خودکارآمدی و تفکر انتقادی و تفکر انتقادی و ادراک خویشتن رابطه معناداری وجود ندارد. عبدالهی عدلی انصار و همکاران (۱۳۹۳) در بررسی ارتباط تفکر انتقادی با خلاقیت، باورهای خودکارآمدی و عملکرد تحصیلی دانشجویان معلمان دانشگاه فرهنگیان شهر

1. Smit

2. Phan

3. Cansoy & Turkoglu

4. Kezer

5. Srisawad

6. Gloudemans

Journal of Management Studies, 14(2).

Gloude-mans, H. A., Schalk, R. M., & Reynaert, W. (2013). The relationship between critical thinking skills and self-efficacy beliefs in mental health nurses. *Nurse education today*, 33(3), 275-280.

Gunter, G. (2007). Building student data literacy: An essential critical-thinking skill for the 21st century. *MULTIMEDIA AND INTERNET@SCHOOLS*, 14(3), 24.

Halpern, M. (2009). "The Enhance Critical Thinking Skills in Problem-solving and Resilience on high school students." *Journal of developmental sciences*. 15(2), 121-128

Kagan, S. (2003). "Kagan structures for thinking skills retrieved." *Journal of personality and individual difference*, 38, 1805-1812.

kezer, f., oğurlu, ü., & akfırat, o. n. (2016). Eleştirel Düşünme Eğilimi, Genel Öz Yeterlik ve Umutsuzluk Arasındaki İlişkinin İncelenmesi/ Investigation of the Relationship Between Critical Thinking Disposition, General Self-Efficacy and Hopelessness. *Mustafa Kemal Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü Dergisi*, 13(34).

Kovic, M. (2016). *A generalized definition of critical thinking* (p. 18). Swiss Skeptics Discussion Paper Series 1.1.

Manalo, E., Kusumi, T., Koyasu, M., Michita, Y., & Tanaka, Y. (2013). To what extent do culture-related factors influence university students' critical thinking use? *Thinking Skills and Creativity*, 10, 121-132.

Mashmol Haj Agha, S., & Abolghsemi, A. (2016), Comparison of cognitive risk and distortion in students with or without addiction, *Quarterly Journal of Research on Addiction*, 10(40), 104-112. [Persian]

Maynes, J. (2015). Critical thinking and cognitive bias. *Informal Logic*, 35(2), 183-203.

Miller, D. R. (2003). Longitudinal assessment of critical thinking in pharmacy students. *American Journal of Pharmaceutical Education*, 67(4), 120.

Mirghaforvand, M., Mohammad Alizadeh Charanabi, S., Tavananezhad, N., Karkhaneh, M. (2014). Self-efficacy in adolescents and its socio-demographic predictors, *The Journal of Urmia Nursing and Midwifery Faculty*, 12(2), 153-165. [Persian]

Moafian, F., & Ghanizadeh, A. (2012). A correlational analysis of self-efficacy and self-efficacy. *Journal of teaching language skills*, 30(1), 119-149. [Persian]

Muris, P. (2002). Relationships between self-efficacy and symptoms of anxiety disorders and depression in a normal adolescent sample. *Personality and individual differences*, 32(2), 337-348.

Paul, R. & Elder, L. (2007). The miniature guide to critical thinking: concepts & tools, 27th International Conference on Critical Thinking, Near University of California at Berkeley

زندگی خود را بررسی نموده و در نهایت به نتایج قابل اطمینان و موثق دست یابند. پال (۱۹۹۷) در تحقیقی مبرهن نمود با آموزش تفکر انتقادی می توان ساختار شناختی افراد را مجهز به مهارت های شناختی کرد. این مهم نه تنها باعث مقاومت و سماجت بیشتر در حل مسائل درسی می گردد بلکه موجبات افزایش عزت نفس و خودکارآمدی فراگیران را فراهم می سازد. نمونه این پژوهش به نوجوانان شهر تهران محدود بود لذا در تعمیم نتایج آن باید با احتیاط عمل نمود. باتوجه به تأثیر مثبت آموزش تفکر انتقادی بر تحریف های شناختی و خودکارآمدی نوجوانان پیشنهاد می شود که آموزش تفکر انتقادی بر روی انواع خطاهای شناختی و سوگیری ها انجام شود و همچنین مسئولان تعلیم و تربیت همسو با برنامه های آموزشی خود، برنامه های آموزش تفکر انتقادی را نیز در برنامه های مدارس و دانشگاه بگنجانند تا ره آوردی برای خودآزمودن نوجوانان و طرحی برای جلوگیری از تحریف های شناختی باشد.

منابع

Abbott, D. H. (2010). *Constructing a creative self-efficacy inventory: A mixed methods inquiry*. The University of Nebraska-Lincoln.

Abdullah Zadeh, H., Salar, M. (2009). Construction and standardization of questionnaires, cognitive distortions, Tehran. [Persian].

Amirkhani, B. (2016). Effect of Problem Solving Method as Teamwork on Critical Thinking, Tehran: Kayhan Publishing. [Persian]

Battersby, M., & Bailin, S. (2013). Critical thinking and cognitive biases.

Cansoy, R., & Turkoglu, M. E. (2017). Examining the Relationship between Pre-Service Teachers' Critical Thinking Disposition, Problem Solving Skills and Teacher Self-Efficacy. *International Education Studies*, 10(6), 23.

Elder, L., & Paul, R. (2007). Critical thinking: The nature of critical and creative thought, Part II. *Journal of Developmental Education*, 30(3), 36.

Elder, L., & Paul, R. (2010). *The thinker's guide to analytic thinking*. Dillon Beach, CA: Foundation for Critical Thinking Press.

Facione, P. A. (1998). Critical thinking: What it is and why it counts. Retrieved June, 9, 2004.

Fisher A. (2011). critical thinking: An Introduction (Cambridge International examinations), Paperback October 31.

Frankovsky, M., Birknerova, Z., & Zbihlejeva, L. (2016). Assessment of occurrence predictors of cognitive distortions in managerial decisions. *Polish*

paul, R. W. (1993). Critical thinking: What every person needs to survive in a rapidly changing world (J. Wilson & A. J. A. Binker, Eds.). Santa Rosa, CA: Foundation for Critical Thinking.

Paul, R.W. (2006). A Draft Statement of Principles. Available at: <http://www.criticalthinking.org>.

Pereira, A. I. F., Barros, L., & Mendonça, D. (2012). Cognitive errors and anxiety in school aged children. *Psicologia: Reflexão e Crítica*, 25(4), 817-823.

Phan, H.P. (2010). Critical thinking as a self-regulatory process component in teaching and learning. *Psicothema*, 22(2), 284-92

Robinson, E., & Miller, R. (2012). *Adolescents and their families: Best interests case practice model Specialist practice resource*. Published by the Victorian Government Department of Human Services, Melbourne, Australia.

Strohmeier, C. W., Rosenfield, B., DiTomasso, R. A., & Ramsay, J. R. (2016). Assessment of the relationship between self-reported cognitive distortions and adult ADHD, anxiety, depression, and hopelessness. *Psychiatry research*, 238, 153-158.

Strohmeier, C. W., Rosenfield, B., DiTomasso, R. A., & Ramsay, J. R. (2016). Assessment of the relationship between self-reported cognitive distortions and adult ADHD, anxiety, depression, and hopelessness. *Psychiatry research*, 238, 153-158.

Tahmassian, K., & Anari, A. (2009) The Relation between domains of self-efficacy and Depression in adolescence, *Journal of Applied Psychology*, 3(9), 83-93.[Persian]

Tamarani Far, M (2016). Critical Thinking and Thinking and Creative Thinking. *Journalism, Youth Culture*. 12, 19. [Persian]

Tarkhan, M, (2013). Effectiveness of Group Critical Thinking Training on the Social Self-efficacy and Resilience, *Journal of Social Cognitive Science*, 2 (4), 100-110.[Persian]

Varandi, S. B., & Mehrali, S. (2013). Investigating the effect of levels of proficiency on Iranian male and female EFL learners' critical thinking and self-efficacy. *Theory and Practice in Language Studies*, 3(12), 2355.

Zangenehvandi, M., Farahian, M., & Gholami, H. (2014). On the relationship between elf teachers 'critical thinking and self-efficacy. *Modern Journal of Language Teaching Methods*, 4(2), 286.

Zeki, A. (2015). The effects of microteaching on the critical thinking dispositions of pre-service teachers. *Australian Journal of Teacher Education*. 40(6), 140- 153.